



عاشورا، تبعیت مطلق از رهبر

«سَلِّمْ لِمَنْ سَالَمَكَ وَ خَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَ». در مقابل کسانی که با شما می‌جنگند در جنگم، اما با کسانی که نسبت با شما سلیمانند و تسلیمند، من هم با آنها سلیم و تسلیمم. رهبر اسلامی معنایش همین است، که با نفوذ در دلها و با حاکمیت بر جانها اداره‌ی حقیقی جامعه‌ی اسلامی را انجام بدهد. ۶۷/۵/۲۸

عاشورا تبعیت مطلق از رهبر است؛ هر چه رهبر گفت؛ کلمه به کلمه و موبه مو حوادث و وقایع با اشاره‌ی مقام مقدس رهبری، در مقابل رهبر تسلیم بودن. کدام رهبر؟ آن رهبری که انسان آگاهانه او را انتخاب کرده و به او ایمان آورده، این رهبر است. لذا شما امروز در زیارت ائمه علیهم‌السلام هم می‌خوانید



قیام برای اصلاح امت

منبر اگر به تحلیل ظاهری قضیه [حادثه عاشورا] نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند.

لذا [امام حسین (ع)] ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد بن حنفیه - و در واقع در پیام به تاریخ - چنین گفت: «آئی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما»؛ من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه‌ی قدرت بودن قیام نکردم؛ «اتما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»؛ (۱) من می‌بینم که اوضاع در میان امت پیامبر دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضد جهتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای این که با اینها مبارزه کنم. ۷۹/۰۱/۲۶

(۱) بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

جمع فکر و عاطفه در عزاداری امام حسین (ع)

هیئت هیأت، نماد تجمع عاطفی و فکری بر محور شخصیت حسین بن علی (ع) است؛ مجلس عزاداری و دسته‌ی سینه‌زنی است؛ اسمش را هر چه می‌خواهند، بگذارند. مراد این است که گروهی دور هم جمع می‌شوند و پایه‌ی کارشان بر عواطف و فکر - هر دو - است؛ عواطف تنها نیست، اندیشه‌ی خشک بی‌عاطفه هم نیست. اگر عواطف تنها باشد، اثر بخش نیست و در واقع زندگی اثر نمی‌گذارد. اگر اندیشه و فکر، خشک و بی‌عاطفه باشد، ماندگاری و نفوذ و گسترده‌ی نخواهد داشت. شادابی فکر به آمیختگی آن با عواطف است. محور هم وجود مقدس ابا عبدالله (ع) است؛ یک سرچشمه‌ی خشک نشدنی؛ دریایی که انسان هرگز نمی‌تواند به عمق آن برسد؛ از عاطفه و فکر، هر دو.

... هدف این حادثه چه بود؟ هدفش «حسین منی و انا من حسین» بود. یعنی دین خدا و کوثر جاری الهی باید از این سرچشمه روان شود و در طول تاریخ بماند. اگر نهضت حسینی نبود، اسلام نبود. این تکان و زلزله‌ی شدید توانست اثر خودش را بگذارد و مسیر تاریخ را تعیین کند. ۸۴/۰۶/۰۳

بیانات در جمع هیات‌های رزمندگان سراسر کشور

حکم برهنه شدن در عزاداری چیست؟

مسئله سوال: نظر آقا در مورد برهنه شدن در عزاداری چیست؟ اگر فیلمبرداری نشود و زنان نیز نبینند چطور؟ آیا از نظر فقهی، ایشان حرام میدانند این کار را؟

در پاسخ به این سوال باید عرض کنیم حضرت آقا توصیه فرمودند به برخی از مداحان که در عزاداری‌ها برهنه نشوند. اما این به عنوان یک فتوای فقهی نیست که ما بگوییم حرام است. خب اگر نامحرمانی نیستند، اگر مسئله سوئی بر آن مترتب نیست، دشمنان سواستفاده نمی‌کنند خب ممکن است بگوییم حرام هم نباشد؛ مثلا یک جمع محدودی هستند فیلمبرداری هم نمی‌کنند، فقط مردان هستند حالا پیراهن را از تن در آورند و سینه می‌زنند؛ اما به طور کلی توصیه ایشان این هست - به عنوان یک توصیه - که در عزاداری‌ها مردها برهنه نشوند. چرا؟ چون ممکن است هم در معرض دید نامحرمان باشند و هم دشمنان باز از این مسئله سواستفاده کنند برای تبلیغ علیه مکتب اهل بیت (ع). ۷۹/۰۱/۲۶

دفتر استفتات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

نگاهی تحلیلی به نهضت عاشورا | یک عاشورا؛ مجاهدت در دو جبهه

دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که بتدریج بیماری اخلاقی مسری خود دنیازدگی و شهوت زدگی را که متأسفانه مهلک هم هست، همین طور به جامعه منتقل کنند... در چنین زمینه‌ای، قیام عظیم حسینی به وجود آمد، که هم با دشمن مبارزه کرد و هم با روحیه‌ی راحت طلبی فساد پذیر رو به تنهایی میان مسلمانان عادی و معمولی... تا قبل از شروع قیام امام حسین (ع)، خواص هم حاضر نبودند قدمی بردارند. اما بعد از قیام امام حسین (ع)، این روحیه زنده شد. این، آن درس بزرگی است که در ماجرای عاشورا، در کنار درسهای دیگر باید بدانیم. عظمت این ماجرا این است. ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

عبرت
ماجرای عاشورا عبارت است از یک حرکت عظیم مجاهدت آمیز در دو جبهه، هم در جبهه‌ی مبارزه با دشمن خارجی و برونی؛ که همان دستگاه خلافت فاسد و دنیا طلبان چسبیده به این دستگاه قدرت بودند و قدرتی را که پیغمبر برای نجات انسانها استخدام کرده بود، آنها برای حرکت در عکس مسیر اسلام و نبی مکرّم اسلام (ص) می خواستند، و هم در جبهه‌ی درونی، که آن روز جامعه به طور عموم به سمت همان فساد درونی حرکت کرده بود. نکته‌ی دوم، به نظر من مهمتر است... بعد از آنکه اسلام، اشرافیت را قلع و قمع کرده بود، یک طبقه‌ی اشراف جدید در دنیای اسلام به وجود آمد... وقتی می گویم فاسد شدن



اگر خواص، تنها پیش نمی گذاشتند...

بازار
مسلم بن عقیل به محض ورود به کوفه، به منزل بزرگان شیعه وارد شد و نامهی حضرت امام حسین (ع) را خواند. گروه گروه، مردم آمدند و همه، اظهار ارادت کردند... یزید هم عبدالله بن زیاد، فرماندار بصره را حکم داد که علاوه بر بصره کوفه را نیز تحت حکومت خود در آورد... اساس کار او عبارت از این بود که طرفداران مسلم بن عقیل را با اشد فشار مورد تهدید و شکنجه قرار دهد... در این مقطع هم، نقش خواص به اصطلاح طرفدار حق که حق را شناختند و تشخیص دادند، اما دنیایشان را بر آن مرجع دانستند، آشکار میشود...

در تاریخ «ابن اثیر» آمده است که گویی سی هزار نفر اطراف مسلم گرد آمده بودند. از این عده فقط چهار هزار نفر درادور محل اقامت او ایستاده بودند... کاری که این زیاد کرد این بود که عده‌ای از خواص را وارد دسته‌های مردم کرد تا آنها را بترسانند... چنان مردم را ترساندند و از گرد مسلم پراکندند که آن حضرت به وقت نماز عشا هیچ کس را همراه نداشت؛ هیچ کس! اگر خواص، مسلم را تنها نمیگذاشتند و مثلاً عده به صد نفر میرسید، آن صد نفر دور مسلم را میگرفتند. خانه‌ی یکیشان را مقر فرماندهی میکردند. می ایستادند و دفاع میکردند. مسلم، تنها هم که بود، وقتی خواستند دستگیرش کنند، ساعتها طول کشید. سربازان این زیاد، چندین بار حمله کردند؛ مسلم به تنهایی همه را پس زد. اگر صد نفر مردم با او بودند، مگر میتوانستند دستگیرش کنند؟! باز مردم دورشان جمع میشدند. پس، خواص در این مرحله، کوتاهی کردند که دور مسلم را نگرفتند. ۷۵/۳/۲۰

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)



بعثت زنان در کربلا

محول
بعثت خون، عنوان مجموعه‌های صوتی است که از سال ۸۹، همزمان با ایام محرم در KHAMENEI.IR منتشر می شود. این مجموعه در سال ۹۰ به بررسی «نقش بانوان» در واقعه‌ی کربلا و حوادث مرتبط با نهضت حسینی در سال ۶۱ هجری قمری پرداخت. آنچه در زیر می آید، مختصری از روایت تاریخی این رویداد است که توسط جناب آقای دکتر محمد حسین رجیبی دوانی از کارشناسان تاریخ اسلام و تشیع بیان شده است:

ما اگر نگاهی به حرکت و قیام تاریخ ساز حضرت سیدالشهداء (ع) از آغاز تا پایان داشته باشیم، نقش زنان و عملکرد آنان را بسیار قابل توجه تر از مردان می بینیم؛ البته به غیر از شهدای عظیم الشان کربلا، زنان در آن ماجرا، امتحان بسیار مناسب و بهتری را نسبت به مردان از خودشان نشان دادند که می توانیم این را مورد بحث قرار دهیم. در آغاز، وقتی حضرت اباعبدالله (ع) حرکت خود را از مدینه آغاز می کنند، به جز گروهی از خویشان حضرت، بقیه‌ی بنی هاشم - حتی برخی از فرزندان امیرالمومنین (ع) - حاضر نیستند در این امر مهم، یعنی یاری امام زمان شان همراه با امام حسین (ع) باشند.

با این حال، بانوانی را می بینیم که گروهی از بانوان فهیم و بصیر هستند که دیده اند امام زمان شان در خطر است، احساس مسئولیت کردند و آمدند. آنها حتی کودکان و فرزندان خود را به همراه می آورند. در متون اسلامی، از زنان، جهاد خواسته نشده است ولی اگر موقعیتی ایجاد شد که مردان برای دفاع کافی نبودند، زنان هم باید شرکت کنند و آن وقت برای دفاع از مرزهای دارالاسلام زن ها هم وظیفه پیدا می کنند. امام زمان مهمتر است یا دفاع از مرزها؟... ۷۵/۳/۲۰

متن کامل در <http://khl.inlink.com/zanan>



عمر بن سعد

بی خواص
شرح حال خواص صدر اسلام و علل انحراف آنها پس از پیامبر (ص)

چطور شد که جامعه‌ی اسلامی به محوریت پیامبر عظیم الشان، بعد از پنجاه سال کارش به آن جارسید که فرزند همین پیغمبر را با فجیعتیرین وضعی کشتند؟! خواص در این پنجاه سال چگونه شدند که کار به این جا رسید؟ آیه عمر بن سعد! گفتند به تو حکومت ری را می خواهیم بدهیم. ری آن وقت، یک شهر بسیار بزرگ پُر فایده بود... کسی که می آمد حاکم شهری می شد، یعنی تمام منابع درآمد آن شهر در اختیارش بود، یک مقدار هم باید برای مرکز بفرستد، بقیه اش هم در اختیار خودش بود؛ هر کار می خواست، می توانست بکند؛ لذا خیلی برایشان اهمیت داشت. بعد گفتند اگر به جنگ حسین بن علی نروی، از حاکمیت ری خبری نیست. این جا یک آدم ارزشی، یک لحظه فکر نمی کند؛ می گوید مرده شسوی ری را ببرند؛ ری چیست؟ همه دنیا را هم به من بدهید، من به حسین بن علی اخم هم نمی کنم؛ من به عزیز زهرا، چهره هم درهم نمی کشم؛ من بروم حسین بن علی و فرزندانش را بکشم که می خواهید به من ری بدهید؟! آدمی که ارزشی باشد، این طور است؛ اما وقتی که درون تهی است، وقتی که جامعه، جامعه دور از ارزشهاست، وقتی که آن خطوط اصلی در جامعه ضعیف شده است، دست و پای می لغزد؛ حالا حداکثر یک شب هم فکر می کند؛ خیلی جدت کردند، یک شب تا صبح مهلت گرفتند که فکر کنند! اگر یک سال هم فکر کرده بود، باز هم این تصمیم گرفته بود. این، فکر کردنش ارزشی نداشت. یک شب فکر کرد، بالاخره گفت بله، من ملک ری را می خواهم! البته خدای متعال همان را هم به او نداد. آن وقت عزیزان من! فاجعه کربلا پیش می آید. ۷۷/۲/۱۸

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۸/۲/۷۷